دو فصلنامه علمی تخصصی
اندیشه‌های قرآنی متفکران معاصر
سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۴۰۴

مقایسهٔ آثار تفسیری شیعه در دو سده نخستین (با تأکید بر ابزار و منابع)

طاهره رحیم‌پور ازغدی[۱]

چکیده

هدایت‌پذیری از قرآن کریم، در گرو فهم دقیق آن است. ازاین‌رو مفسران شیعی، از عصر پیامبرﷺ تاکنون به تفسیر آیات الهی همت گمارده و آثار متفاوتی را تولید کرده‌اند و به نظر می‌رسد کیفیت منابع و ابزار مفسران، یکی از مهم‌ترین علل تفاوت سبک‌های آنان است. نوشتار حاضر با روش اسنادی ـ تحلیلی به بررسی و مقایسه مکتوبات تفسیری دو سده اول می‌پردازد؛ زیرا این دوره، آغاز نضج‌گیری مدارس و بستر تربیت نخبگان تفسیری است. این پژوهش نشان می‌دهد اگرچه سدهٔ دوم با افزایش کمی و تنوع کیفی ازنظر اختلاف مدارس و شیوه‌های تفسیری روبه‌روست، ولی نوشته‌های سده اول به دلیل بهره‌مندی از دانش معصومان علیهم‌السلام، از استحکام، قطعیت، قوت سندی، مغشوش نشدن به اخبار اهل کتاب و تفسیر به رأی برخوردار بوده است که از مهم‌ترین امتیازات در علوم نقلی به شمار می‌آید. به‌عبارت‌دیگر مهم‌ترین دلیل ضعف مکتوبات قرآنی سدهٔ دوم هجری، عدم بهره‌وری از آرای تفسیری امامان شیعه علیهم‌السلام است.

واژگان کلیدی: تفسیر، مکاتب تفسیری، تفسیر به رأی، شیعه.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران؛ rahimpoor@um.ac.ir.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۳/۱۱

۱. بیان مسئله

دانشمندان شیعی از صدر اسلام با تألیف آثار ارزشمند در رشته‌های علوم قرآنی، تفسیر، حدیث، فقه و سایر علوم، حضور مؤثری در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی داشته‌اند، ولی به دلیل سیاست خلفای اموی و عباسی در مخدوش کردن بعد علمی مکتب تشیع، خدمات آنان مورد توجه قرار نگرفته است؛ به همین دلیل بازخوانی میراث مکتوب شیعه برای بهره‌مندی از دانش پیشینیان ضرورت دارد. در این مهم، نقد و بررسی نگارش‌ها و روش‌های متقدمین، زمینه تولید آثار دقیق‌تر و عمیق‌تر را برای آیندگان فراهم می‌کند. این مطالعه سعی دارد ضمن در نظر گرفتن شرایط زیسته مفسران، تولیدات آنان را به قضاوت بنشیند تا از این رهیافت، چالش‌ها و آسیب‌های دانش تفسیر بازنمایی گردد. در این نوشتار، مقصود از شیعه، پیروان خلافت امام علی علیه‌السلام و فرزندان ایشان (مشکور، ۱۳۷۵، ص۲۷۲) می‌باشد. تفسیر نیز علمی است که دربارهٔ چگونگی نطق به الفاظ قرآن و مدلولات و احکام فردی و ترکیبی و معانی که در آن الفاظ احتمال می‌رود، در حال ترکیب سخن می‌گوید. همچنین روش تفسیری، یعنی استفاده از ابزار یا منابع خاص در تفسیر قرآن که معانی و مقاصد آیه را روشن می‌سازد و نتایج مشخصی را به دست می‌دهد (ابن‌فارس، ۱۴۲۸، ص۱۰۰۰).

کاربرد عناوینی همچون مکاتب، منابع، مدارس، اتجاهات و الوان تفسیری در مورد روش‌های مفسران نشان می‌دهد که به شیوه‌های آنان بر اساس گرایش‌های فکری و اعتقادی خاص، مکتب، مدرسه و منهج اطلاق می‌شده است. هرچند در مورد مدرسه، یک معنی دیگر نیز صادق است؛ زیرا مدرسه تفسیری، یعنی آموزشگاهی که مفسر در آن به تعلیم و تعلم تفسیر می‌پردازد. موضوع روش‌های تفسیری، زیرمجموعه مباحث علوم قرآنی و حلقه واسطه میان تفسیر و علوم قرآنی است. اهمیت بحث روش در تفسیر قرآن به حدی است که برخی با تمسک به حدیث «من فسّر القرآن برأیه فأصاب، فقد أخطأ» (راغب، ۱۴۰۵، ص۹۳)، ملاک مشروعیت تفسیر را به رسیدن یا نرسیدن به معنا و مراد، بلکه گزینش و اتخاذ روشی صحیح در فهم کلام الهی دانسته‌اند (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۳، ص۳۳۰). در این پژوهش، با روش اسنادی ـ تحلیلی ابتدا مفسران شیعی و آثار مهم در سده اول و دوم معرفی می‌شوند. سپس باتوجه‌به اینکه تفاوت برداشت‌ها در تفسیر، منشأ بسیاری از اختلافات دینی است، نگارش‌های تفسیری دو سده به تفکیک سبک‌ها، حوزه‌ها و رشد کیفی این تألیفات مقایسه می‌گردد.

در ارتبـاط بـا آثار تفسـیری، مقالات متعددی مانند «مدرسـه تفسـیری مدینه و میـراث قرآنی شیعه»، «مکتب تفسیری باطنیه»، «روش تفسیری امام رضا علیه‌السلام» و «بررسی روش تفسیری امامیه در آیات تشبیهی» یافت شد که در مورد سبک تفسیری یک مذهب یا یک فرد نوشته شده است، ولـی ایـن تحقیـق، آثار مفسـران دو عصـر متوالی را بر اسـاس منابع و ابزار به مقایسـه می‌نشـیند. بدین‌ترتیـب عـلاوه بر روشـن شـدن تحولات ایـن علم در دو قـرن، امتیازات و کاسـتی‌های متون تفسیری نیز بازنمایی می‌شود.

۱-۱. پیشینهٔ پژوهش

در مـورد علـم تفسـیر، آثاری با رویکردهای متفاوت نگاشـته شـده اسـت. برخی تاریـخ این علم را بررسـی کرده‌انـد؛ مثـل مراحـل تفسـیر، اثر فـرج‌الله فرج‌اللهی و بعضی به بیان تفسـیر یک سـوره خاص پرداخته‌اند؛ مانند تفسـیر سـوره مبارکه علق، به قلم محمدتقی‌شـریعتی. در مقالاتی مانند «تفسـیر عرفانی»، نوشـته حسـن غرفانی، یکی از سبک‌های علم تفسـیر بیان شده است. گروهی از نویسـندگان، به آسـیب‌های علم تفسیر اشـاره کرده‌اند؛ مانند اصول تفسیر و عوامل انحراف در زمینـه تفسـیر، به قلـم محمدمهدی مظاهری، اما کمتر به بافت تاریخی و شـرایط زمانه مفسـر در این تحلیل‌ها پرداخته شده است.

۱-۲. ضرورت پژوهش

علم تفسیر در طول حیات خود فراز و فرودهایی داشته که این تحولات، ناشی از شرایط اجتماعی زمانه مفسـر بوده اسـت، بی‌گمان اوضاع زیسـته مؤلف، نقش مهمی بر سـبک تفسـیر و درنتیجه، نوع منابع و ابزار آن دارد. با مطالعه آثار تفسیری در دوران‌های مختلف، تحلیل درستی از ارزیابی این متون حاصل می‌شود.

۲. مبانی نظری پژوهش

بازشناسـی تفاسـیر در حوزه روش و ابزار تفسـیر در مطالعات قرآنی امری اجتناب‌ناپذیر است. این شـناخت ازطرفی بر اسـاس طبقه‌بندی تفاسیر بر مبنای معیارهای مورد قبول صورت می‌گیرد و از سـوی دیگر بر مبنای نوع رویکرد مفسـر در تفسـیر آیات شـکل می‌گیرد. به مفهوم دقیق‌تر، اینکه

مفسر از منظر کلام یک آیه را تفسیرکند یا تاریخ، کاملاً بر محتوای تولیدی او مؤثر است و بین مفسران اختلاف آرا ایجاد می‌کند. بدین‌ترتیب گرایش‌های فکری مفسر، بر نگاه تفسیری او در گزینش منبع و ابزار وی نقش دارد.

۳. سبک‌های تفسیر قرآن

محققان تقسیم‌بندی‌های گوناگونی برای روش‌های تفسیر قرآن مطرح کرده‌اند که یکی از آنها، تفسیر بر اساس منابع و ابزار در کشف معانی است. سبک‌های تفسیری در چنین ساختاری، به روش تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر روایی، تفسیر ادبی، تفسیر عقلی و تفسیر باطنی (اشاری) تقسیم می‌گردد.

۳-۱. تفسیر قرآن به قرآن

پیامبر اکرم ﷺ، ائمه اطهار علیهم‌السلام، صحابه و تابعین از این روش در تفسیر قرآن بهره گرفته‌اند (بابایی، ۱۳۸۶، ج۱، ص۲۶۳-۲۶۶). در این شیوه، دو نظریه قرآن‌بسندگی مطلق و نسبی، قابل رصد است. گروه اول معتقدند که تمام معارف، احکام و دانستنی‌های لازم دین را می‌توان با تدبر در آیات و ملاحظه برخی آیات در کنار برخی دیگر به دست آورد و به غیر آن نیازی نیست. در نظریه استفاده حداکثری از قرآن در تفسیر، تا جایی که امکان دارد باید آیات را با تدبر در خود آیات و استمداد از آیات دیگر تفسیر کرد (همان، ج۲، ص۱۲۷). اما دسته دوم مدعی هستند هرچند تفصیل معارف و تشریح جزئیات احکام دین را نمی‌توان از قرآن به دست آورد، ولی می‌توان همه آیات قرآن را به کمک خود قرآن تفسیر کرد. آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد: «در روش قرآن به قرآن، هر آیه از قرآن کریم با تدبر در سایر آیات قرآنی و بهره‌گیری از آنها باز و شکوفا می‌شود. تبیین آیات فرعی به‌وسیلهٔ آیات اصلی و استدلال به آیات قوی‌تر در تفسیر بر این مبنا است که برخی از آیات قرآن همه موارد لازم را برای پی‌ریزی یک بنیان مرصوص معرفتی در خود دارد و برخی از آیات عهده‌دار بخشی از مواد چنین بنایی است. ازاین‌رو آیات دسته دوم با استمداد از آیات گروه اول تبیین و تفسیر می‌شود» (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ج۱، ص۶۱).

۳-۲. تفسیر روایی

این سبک از کهن‌ترین و عمده‌ترین شیوه‌های تفسیر به مأثور است. بر اساس این دیدگاه، فهم حقیقی قرآن، تنها از عهده انسان‌های برگزیده الهی ساخته است. تفسیر روایی، جنسی است که ذیل آن می‌توان سه نوع، تفسیر قرآن با روایات و سنن نبوی ﷺ، روایات و سنن ائمه اطهار علیهم‌السلام و سخنان صحابه و تابعین را تصور کرد. شایان ذکر است که درباره ضرورت استفاده از روایات در قرآن، برخی معتقدند برای فهم و تفسیر قرآن، نیازی به روایات نیست. گروهی برای فهم قرآن، راهی جز مراجعه به روایات قائل نیستند و بالأخره عده‌ای روایات را وسیله و قرینه‌ای برای فهم و تفسیر آیات می‌دانند (بابایی، ۱۳۸۶، ج۱، ص۱۴۰).

۳-۳. تفسیر ادبی

پیشینه استفاده از روش ادبی به عصر نزول برمی‌گردد. پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر شرح معنا، به توضیح غوامض الفاظ قرآن هم می‌پرداخت. اصحاب و تابعین نیز برای فهم عمیق‌تر معانی برخی از لغات، به میراث ادبی عرب مراجعه می‌کردند؛ مانند پاسخ‌های ابن‌عباس به نافع‌بن‌ازرق که با استشهاد به اشعار عرب، برخی لغات قرآن را معنی کرد. مراحل تفسیر ادبی عبارت است از: شناخت قرائت، شناخت مفاهیم واژگان و توجه به قواعد ادبیات عرب (همان، ص۲۶۴-۲۶۳).

۳-۴. تفسیر عقلی

از این سبک به‌عنوان روش تفسیر اجتهادی و گاهی یکی از شیوه‌های تفسیر به رأی یاد می‌شود. برخی از انواع کاربردهای عقل در تفسیر قرآن و مورد اتفاق مفسران فریقین، عبارت‌اند از: استفاده از عقل برای درک ضروریات، توضیح آیات، استنباط گزاره‌های نظری، قوهٔ مستقل در ادراک حسن و قبح و تأویل ظواهر برخی آیات.

۳-۵. تفسیر باطنی

این روش با عناوینی چون اشاری، عرفانی، شهودی، رمزی، صوفی و... به کار می‌رود. اغلب پیروان روش تفسیر باطنی چندان به اصول لفظی و قواعد ادبی پایبند نبودند (معرفت، ۱۴۱۸، ج۲، ص۳۷۹) و

اندک تناسبی کافی بود تا از ظواهر آیات به‌سوی معانی باطنی موردنظر خود عدول نمایند. چون به اعتقاد آنان هر آیه دو وجه وجودی دارد: یک وجه باطنی که اهل حق آن را در آینه جان‌های خویش می‌بینند و دیگری، حقیقتی که در خارج از جان‌های اهل حق است. آنان این معانی را ازطریق شهود باطنی به دست می‌آورند (مجتهد شبستری، ۱۳۸۴، ص۱۳۲-۱۳۳). قائلان به این روش، ثمره چندانی در بحث‌های مصطلح علمی و استدلال‌های فکری نمی‌بینند. گفتنی است برخی صاحب‌نظران بر این باورند که این تفاسیر، جنبه تفسیری نداشته‌اند؛ بلکه احیاناً حق‌تعالی به عارفان پاک‌اندیش، هنگام استماع یا تلاوت آیات قرآنی عنایت کرده و افاضات و اشراقات ملکوتی بر ایشان رخ داده است (معرفت۱۴۱۸، ج۲، ص۲۷۵). گروهی نیز معتقدند که نتایج حاصل از این روش را نمی‌توان مصداق تفسیر آیات دانست؛ چراکه استناد به دلالت لفظی که شرط اساسی تفسیر است در این روش جایی ندارد (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ص۳۲۸).

۴. پیشینه علم تفسیر تا سده سوم

علوم قرآن در ترکیب اضافی به چهارده دستهٔ تاریخ قرآن، علم رسم‌الخط، شناخت مکی و مدنی، علم شأن نزول، اسباب نزول، علم شناخت ناسخ و منسوخ، علم محکم و متشابه، تحدی، اعجاز و تحریف‌ناپذیری قرآن، تفسیر و تأویل، قرائت، تجوید و ترتیل، فقه قرآن، اعراب قرآن، قصص قرآن، غریب القرآن (واژگان‌شناسی) و ترجمه قرآن تقسیم می‌شود (تقی‌پور، ۱۳۷۱، ص۱۸۰-۲۱۴). بررسی نگارش‌های قرآنی نشان می‌دهد که از بعثت پیامبرﷺ تا قرن اول هجری، هیچ‌یک از علوم قرآنی به شکل علم مستقل درنیامده‌اند، ولی پیامبرﷺ و برخی صحابه همچون علی علیه‌السلام، ابن‌عباس و ابن‌مسعود، از ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، و مکی و مدنی آگاهی کامل داشتند (طباطبایی، بی‌تا، ص۴۳-۴۴). ابن‌ندیم در همین راستا، از کتاب ابی‌بن‌کعب انصاری و تفسیر ابن‌عباس با عنوان «الکتب المؤلفه فی فضائل القرآن» نام می‌برد (ابن‌ندیم، ۱۴۱۵، ص۶۱-۶۵). از قرن اول تا پایان قرن پنجم، علوم قرآن به طور مستقل و بدون عنوان علوم قرآنی، به رشتهٔ تحریر درآمده است. کتاب علی‌بن‌مدین (۲۳۴ق) در اسباب نزول و ابوعبید قاسم‌بن‌سلام (۲۲۴ق) از این جمله است (خرمشاهی، ۱۳۸۱، ص۱۴۸).

رسول خداﷺ تفسیر قرآن را به شیوه نقل احادیث در تفسیر آیات و ارائهٔ نمادین اصطلاحات

قرآنی به مسلمانان تعلیم می‌دادند. نقل شده است که چون آیه‌ای بر ایشان نازل می‌شد، معانی و تفسیر آن را به تعدادی از صحابه که در فهم و درک آیات بسیار دقیق بودند، مانند امام علی علیه‌السلام، ابن‌مسعود و ابی‌بن‌کعب می‌آموختند (ذهبی، ۱۳۸۱، ج۱، ص۱۷۴). ابن‌مسعود می‌گوید: «تا وقتی یکی از ما ده آیه را می‌آموخت، به سراغ آیات دیگر نمی‌رفت تا اینکه معانی آن آیات را به طور کامل فرا گیرد و به آنها عمل کند» (معرفت، ۱۴۱۸، ج۱، ص۱۷۴). اولین مفسر قرآن، حضرت علی علیه‌السلام، از عاملین جمع و تدوین قرآن کریم بود. آن حضرت در میان صحابه، بیش از دیگران مورد توجه پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بود. ایشان می‌فرماید: «آیه‌ای بر رسول خدا نازل نمی‌شد مگر اینکه آن را بر من می‌خواند و بر من املا می‌فرمود. من آن را با خط خود می‌نوشتم و آن حضرت تأویل، تفسیر، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، و خاص و عام آیات را به من می‌آموخت. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله برای من دعا کرد که خداوند فهم و حفظ آیات را به من عطا کند و از زمانی که حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله برای من دعا کرد هیچ آیه و دانش آن را فراموش نکردم» (کلینی، ۱۳۶۳، ج۱، ص۶۲). امامان معصوم نیز به پیروی از علی علیه‌السلام به تفسیر پرداختند، ولی متأسفانه آثار مکتوبی جز احادیث در کتب شیعه از ایشان بر جای نمانده است (ذهبی، ۱۳۸۱، ج۲، ص۴۱۸).

ازآنجاکه تفاسیر در ابتدا به طور شفاهی بیان می‌شد، آمیخته‌ای از دانش یهود، نصاری، مجوس و سایر ادیان جزیرةالعرب در آنها رخنه کرد، ولی با ظهور علم فلسفه و منطق و گرایش مسلمانان به آنها، در مندرجات تفاسیر تجدیدنظر شد و مطالب مخالف عقل از تفاسیر حذف گردید (عمید زنجانی، ۱۳۸۵، ص۱۱۳). دانشمندان اسلامی در اینکه چه حجمی از قرآن توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تفسیر شده است، اختلاف‌نظر دارند. سیوطی تفسیر اندکی از آیات (سیوطی، ۱۴۱۴، ج۴، ص۱۷۴)، ذهبی تفسیر بیشتر آیات (علوی‌مهر، ۱۳۸۷، ص۳۸۷) و ابن‌تیمیه تفسیر تمام آیات (ابن‌تیمیه، بی‌تا، ص۳۵) را پذیرفته است. اما تمامی عالمان دینی در مورد شیوهٔ تفسیری حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله که عبارت است از شرح اصطلاحات قرآنی، شرح واژگان، تفسیر مطلق و تخصیص عام، اتفاق دارند.

گفتنی است پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در سال ۱۱ هجری، تفسیر، دورهٔ جدید خود یعنی عصر صحابه را تجربه کرد. باتوجه‌به اینکه ابوالطفیل عامربن‌وائله، آخرین صحابی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله متوفی سال ۱۱۰ق است (خویی، ۱۴۰۹، ج۹، ص۲۰۴)، می‌توان آثار تفسیری سده اول را همان آثار

صحابـه نامیـد. سـیوطی، ذهبـی و آیت‌الله معرفـت تنهـا به معرفـی چهار تـن از مفسـران معروف صحابـه، یعنـی امام علی علیه‌السلام، ابن‌عباس، ابن‌مسـعود و ابی‌بن‌کعـب پرداخته‌اند (ذهبـی، ۱۳۸۱، ج۱، ص۶۱-۹۳ و معرفت، ۱۴۱۸، ج۸، ص۲۱۱)؛ زیرا روایات بیشتری از ایشان نقل شده است. اما طبق منابع رجالی، اصحابی که در تفسیر آیات، صاحب روایات بودند بیش از چهار نفر می‌باشند. روشن است که شناخت صحابی ازنظر عدالت و وثاقت لازم است و تفسیر صحابه را تنها به دلیل اینکه راوی از اصحاب است نمی‌توان پذیرفت. به‌عبارت‌دیگر، درست است که آنها به لحاظ زمانی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را درک کرده و به زمان نزول آشناترند، ولی اقوالشان بدون استناد به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، کلامی موقوف است و نمی‌تواند هم‌ردیف تفسیر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و حضرت علی علیه‌السلام باشد (مؤدب، ۱۳۹۰، ص۵۹). مفسران شیعه نیز امامان را بزرگ‌ترین مفسران قرآن دانسته‌اند و هیچ‌گونه حجیتی برای اقوال صحابه و تابعین نمی‌شناسد، مگر اینکه بر روایتی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و معصومان علیهم‌السلام ختم شود.

در سدهٔ دوم هجری، صحابه به نقل احادیث تفسیری به جهت حفظ احادیث (از تحریف) توجه بیشتری داشتند (ابن‌حجر، ۱۴۰۴، ج۷، ص۱۹۸). مفسران برای بحث و گفت‌وگو دربارهٔ تفسیر آیات، مجالس علمی برقرار می‌کردند و تفسیر قرآن همراه با روایات متنوع آن در بین تابعین نقل می‌شد. البته به علت ممنوعیت روایت حدیث پس از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، این محافل به شکل غیررسمی برگزار می‌گردید (ابوریه، بی‌تا، ص۲۶۷). دانشمندان شیعی برای کتابت این احادیث رنج‌های بسیاری متحمل شدند؛ زیرا علاوه بر مسئله ممنوعیت نگارش احادیث، باید برای جمع‌آوری روایات به بلاد دیگر اسلامی مسافرت می‌کردند و احادیث را با سندی که به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله یا صحابه می‌رسید، ضبط می‌نمودند (ذهبی، ۱۳۸۱، ج۱، ص۱۴۱). مفسران سدهٔ دوم، احادیث تفسیری را از احادیث دیگر (اخلاقی، فقهی، کلامی) جدا کردند تا فهم آن آسان‌تر شود. در این فرایند، روایات تفسیری به‌تدریج بر اساس موضوع در بخش خاصی قرار می‌گرفت و پس از تبویب، ذیل آیات مرتب می‌شد. بدین گونه، تفسیر ترتیبی آیات سامان گرفت و تفاسیر به ترتیب آیات منظم شد.

شایان توجه است اغلب مفسران تابعی در سده دوم از شاگردان ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشند. امام علی علیه‌السلام با تربیت ابن‌عباس، ابن‌مسعود، حسن علیه‌السلام و حسین علیه‌السلام بستر گسترش علم تفسیر را فراهم نمود و درحقیقت هرکدام از شاگردان علی علیه‌السلام خود مفسران زیادی را تربیت کردند. روش

تفسیری اهل‌بیت علیهم‌السلام مانند رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، تفسیر قرآن به قرآن بود. آنان بر سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در توضیح و تبیین مسائل اعتقادی، اخلاقی، حکومتی و فقهی استشهاد نموده و به تدبر در ظاهر و باطن آیات نیز بسیار تأکید می‌کردند. تفاسیر روایی خاندان طهارت، در منابع ارزشمند شیعی اصول کافی، فروع کافی، من لایحضره الفقیهه شیخ صدوق و استبصار و تهذیب شیخ طوسی موجود است. اقوال تفسیری امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام در عصر صحابه، از مهم‌ترین منابع تفسیری شیعه بود. علم تفسیر از دوره امامت زین‌العابدین علیه‌السلام تا امام زمان صلی‌الله‌علیه‌وآله، از آرای تفسیری معصومین علیهم‌السلام نیز بهره برده است. حیات علمی امام رضا علیه‌السلام و امام جواد علیه‌السلام با اوج شبهات قرآنی مقارن گردید که پاسخ‌گویی به این ابهامات، میراث ارزشمندی را بر جای گذاشت. امام حسن عسکری علیه‌السلام نیز دارای یک اثر تفسیری مهم است (مفید، بی‌تا، ص۲۶۱، ۲۷۰، ۲۹۸ و ۳۰۴).

به طورکلی می‌توان گفت: مفسران اسلامی در قرون اول تا سوم هجری به دلیل رشد سایر علوم، روش‌های تفسیری را پدید آوردند که در تمام آنها، اصل حراست از قرآن و آموزه‌های آن همچنان حفظ می‌شد. ازجمله تفسیر ابونصر محمدبن‌مسعود عیاش السلمی (۳ق) از فقهای شیعه امامیه، تفسیر نقلی علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (م۳۰۷ق) و تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن طبری (م۳۱۵ق) که در آن ابتدا اقوال مفسران قبلی بررسی و سپس تفسیر جدید مطرح شده است. روش طبری در بین تفاسیر این دوران، سبکی نوین بود و زمینهٔ پیدایش این قبیل تفاسیر پس از آن فراهم شد.

۴-۱. مفسران سده اول

باتوجه‌به تفاوت سطح علمی افرادی که با استناد به سخنان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به توضیح آیات می‌پرداختند، در این قسمت، تنها از مفسرانی یاد می‌شود که به شهرت و کثرت روایات تفسیری معروف هستند.

۴-۱-۱. عبدالله‌بن‌عباس

عبدالله بن عباس بن عبدالمطلب، پسر عم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، به سبب خویشاوندی با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، ملازم آن حضرت بود. برخی ابن‌عباس را محب علی‌بن‌ابیطالب علیه‌السلام و پیرو او در علم تفسیر

می‌دانند. او یکی از راویان حدیث غدیر است که به ولایت و خلافت امام علی علیه‌السلام تصریح می‌کند و شارح آن نیز می‌باشد (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۸، ج۳، ص۲۵ و معرفت، ج۱، ص۲۲۷). تنها شبهه درباره او به دلیل قول کَشّی است که ابن‌عباس را مورد نکوهش قرار داده است (کشی، ۱۴۰۴، ج۱، ص۲۷۷)؛ درحالی‌که علامه می‌نویسد: «ابن‌عباس از اصحاب رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و دوست‌دار علی علیه‌السلام و شاگرد او بود. وی در اخلاص به امیرالمومنین علیه‌السلام مشهورتر از آن است که بر کسی پوشیده بماند. ابن‌عباس برتر از این نسبت‌های نارواست» (حلی، ۱۴۰۳، ج۱، ص۵۱ و ۱۰۳). متن تفسیری ابن‌عباس در دسترس نیست، اما کتاب‌هایی که در تفسیر به نام ایشان جمع‌آوری شده، بسیار است؛ مانند تنویر المقیاس، صحیفه علی بن ابی طلحه، غریب القرآن فی شعر العرب، تفسیر ابن‌عباس عن الصحابه، تفسیر الجلودی عن ابن‌عباس، تفسیر ابن‌عباس و تفسیر عکرمه عن ابن‌عباس. از میان تفاسیر فوق، سه تفسیر نخست منتشر شده و قابل استفاده است. تفسیر چهارم و پنجم را نجاشی در رجال خود به ابن‌عباس نسبت داده و تفسیر ششم و هفتم را نیز ابن‌ندیم در الفهرست ذکر کرده است (نجاشی، ۱۴۱۳، ص۱۶۸ و ابن‌ندیم، ۱۴۱۵، ص۵۳). برخی از شیوه‌های تفسیری ابن‌عباس عبارتند از:

الف) استفاده از اشعار عرب: که خود نشانه تسلط وی بر زبان‌شناسی و ادبیات عرب است. شاخص‌ترین اثری که ابن‌عباس در آن به شعر عرب استناد کرده، پرسش‌های نافع‌بن‌ازرق است (سیوطی، ۱۴۱۴، ج۱، ص۲۵۸).

ب) آگاهی به لغات عرب: ابن‌عباس از لغات و محاورات عرفی ـ به‌ویژه اعراب بادیه‌نشین ـ برای فهم واژه‌های قرآن استفاده می‌کرد. معروف است که گفت: من معنای ﴿فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ...﴾ را نمی‌دانستم تا اینکه دو مرد بادیه‌نشین نزد من آمدند و درباره چاهی باهم مشاجره می‌کردند. یکی از آنها گفت: «انا فطرتها» و دیگری گفت: «انا ابتدائها؛ من کندن چاه را آغاز کردم». ابن‌عباس از زبان این مرد بادیه‌نشین به معنای فاطر پی برد.

ج) تفسیر قرآن به قرآن: یکی از بهترین روش‌های تفسیری، بهره‌وری از خود قرآن برای تفسیر است.

د) استفاده از اسباب نزول: اسباب نزول، تأثیر مهمی در فهم آیات قرآن دارد؛ چراکه قرآن‌کریم

در زمان‌ها، حوادث و مناسبت‌های گوناگونی نازل شده است و تبیین آن حادثه، مفهوم آیه را روشن‌تر می‌سازد.

هـ) استناد به قول پیامبرﷺ: البته در برخی موارد، ابن‌عباس به اجتهاد شخصی خود عمل کرده است.

۲-۱-۴. عبدالله بن مسعود

ابن‌مسعود یکی از معروف‌ترین مفسران و اصحاب رسول خداﷺ است. او نخستین کسی بود که در مکه قرآن را آشکارا و با صدایی بلند تلاوت کرد و به گوش قریش رسانید و در این راه آزار و شکنجه دید. خلیفه دوم در زمان حکومتش ابن‌مسعود را به کوفه فرستاد تا قرآن، شرایع و احکام را به کوفیان تعلیم دهد. باید او را پایه‌گذار مکتب تفسیری کوفه دانست؛ زیرا مفسران کوفه در زمان تابعان، از تفسیر او پیروی می‌کردند (ذهبی، ۱۳۸۱، ج۱، ص۸۷). ابن‌مسعود در مورد علی‌ؑ گفت: «او بهترین مردم و عالم‌ترین آنان بعد از رسول خداﷺ بود و او را چون دریایی روان دیدم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۸۹، ص۱۰۵). روایات زیادی بر شیعه بودن ابن‌مسعود دلالت می‌کند. روایت «خلفای بعد از رسول خداﷺ به عدد نقبای (رهبران) بنی‌اسرائیل هستند»، به‌واسطه وی نقل شده است. همچنین موضع‌گیری او در برابر عثمان، دستور عثمان به اخراج او از مسجد، شکسته شدن دنده‌اش و تازیانه زدن بر او برای نماز خواندن بر ابوذر، در منابع ذکر شده است (امینی، ۱۳۹۷، ج۶، ص۴). برای ابن‌مسعود در تفسیر، تنها مصحف نام برده شده و کتابی دیگر برای وی ذکر نشده است. این مصحف، ۱۱۱ سوره دارد که از سوره‌های فاتحه و معوذتین (فلق و ناس) خالی است. وی سوره فاتحه را جزء قرآن می‌دانست، اما معتقد بود چون مسلمانان در نمازهای یومیه همیشه آن را می‌خوانند، حفظ خواهد شد؛ ازاین‌رو به ثبت آن نیازی نیست، ولی دو سوره معوذتین را از تعویذات پیامبرﷺ می‌دانست. نکته دیگر در مصحف ایشان، اضافاتی است که بسیاری از دانشمندان علوم قرآنی آنها را نکات تفسیری می‌نامند نه الفاظ قرآنی. عبارت «کان الناس امه واحده فاختلفوا فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین...» از قرائت ایشان است. تعبیر به «اختلفوا»، از اضافات تفسیری ابن‌مسعود است و مفهوم آیه و علت بعثت انبیا را روشن می‌کند؛ یعنی چون مردم باهم اختلافاتی داشتند، خداوند پیامبرانی را برانگیخت تا وحدت ایجاد کنند.

۳-۱-۴. اُبی‌بن‌کعب

اُبی یکی از معروف‌ترین مفسران صحابه است. او از نادر نویسندگان عصر رسالت بود که چون مسلمان شد از کاتبان وحی گردید و در عقبهٔ دوم با رسول خدا ﷺ بیعت کرد (زرکلی، ۱۴۱۰، ج۱، ص۸۲). مطابق روایات زیادی، او مدافع ولایت علی ؑ بوده است. ابن‌کعب چون در قرائت سرآمد صحابه بود، به سید القراء معروف شد. روایات تفسیری زیادی به ابی‌بن‌کعب نسبت داده‌اند که می‌توان آنها را در سه بخش معرفی کرد:

الف) روایات تفسیری ابی‌بن‌کعب: در تفاسیر شیعه و اهل‌سنت، روایاتی در تفسیر آیات قرآن نقل شده است؛ ازجمله در تفسیر تبیان (ج۱، ص۲۸۰-۲۸۲) از شیخ طوسی و تفسیر روح الجنان (ج۱۰، ص۲۱۸ و ج۶، ص۱۷۱) از ابوالفتوح رازی.

ب) مصحف ابی‌بن‌کعب: برای ابی مصحفی نقل شده که در برخی ویژگی‌ها، مانند مصحف ابن‌مسعود است. این مصحف مشتمل بر ۱۱۵ سوره است که سوره فیل و قریش یک سوره شمرده شده، ولی سوره خلع و حفد بعد از سوره والعصر افزوده شده است. این مصحف با سوره حمد آغاز می‌شود و با معوذتین پایان می‌یابد. افزودن سوره خلع و حفد، خلاف دیدگاه سایر صحابه و اجماع مسلمانان است؛ زیرا کسی این دو را از قرآن نمی‌داند. این مصحف نیز مانند مصحف ابن‌مسعود دارای اضافاتی است که همان اضافات تفسیری اوست و از الفاظ وحیانی قرآنی کریم نیست. از ابی قرائت شده است: «**فَمَا استَمتعتم به منهن (الی اجل مسمی) فَاتوهنَّ اُجُورهنَّ فریضه...**» افزودن «الی اجل مسمی» که از آیه نیست، تفسیری برای آیه است که تصریح دارد چنین عقدی و نکاحی موقت و تا زمان معین است.

ج) در رابطه با فضائل سُور، بسیاری از مفسران، ازجمله ثعلبی، واحدی نیشابوری و زمخشری، برای هریک از سوره‌های قرآن، حدیثی را از ابی‌بن‌کعب از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند (علوی‌مهر، ۱۳۸۷، ص۷۰).

۲-۴. مفسران سده دوم

در سدهٔ دوم هجری، مفسران شیعی علاوه بر استناد به قرآن و سنت پیامبر ﷺ، بر اندیشه و اجتهاد خویش نیز تکیه می‌کردند. با گسترش مرزهای اسلامی، مکاتب تفسیری متفاوتی شکل

گرفت که مهم‌ترین آنها در حجاز و عراق رشد نمود و در هرکدام از آنها جمعی از تابعان درخشیدند. مکه از مشهورترین مراکز تفسیر بود. ابن‌عباس (م۶۸ق) که خود را شاگرد علی ﷺ می‌دانست، سابقه‌ای طولانی در شهر مکه داشت (سیوطی، ۱۳۸۰، ج۴، ص۲۴۰)؛ ازاین‌رو مفسران مکه، شیوه تفسیری ابن‌عباس را دنبال کردند. پس از مکه، شهر مدینه در کنار نقل، به تعقل در تفسیر اهتمام داشت. حضور امامان معصوم در مدینه سبب شد مفسران، تفسیر قرآن را بدون کم و کاست از علی علیه‌السلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام فرا گیرند؛ چراکه ایشان تمام یا بخشی از زندگی خود را در مدینه سپری کرده بودند (مؤدب، ۱۳۹۰، ص۴۹). طبق اسناد تاریخی، از دویست مفسر شیعی که با عنوان صحابی و تابعی در دوران حیات ائمه، از امامان معصوم علیهم‌السلام یا اصحاب آنان روایت کرده‌اند، ۸۵ نفر (یک نفر صحابه، ۲۲ نفر تابعی و ۶۲ نفر پس از تابعین) صاحب تألیف بوده و کتاب داشته‌اند. لازم به ذکر است ۶۳ تن از دویست نفر، بدون واسطه، از محضر علمی امام بهره برده‌اند (بابایی، ۱۳۸۶، ج۱، ص۲۵۸-۲۵۹).

از زمان خلیفه دوم، عراق به‌تدریج در شمار مراکز مهم اسلامی قرار گرفت. انتخاب کوفه به‌عنوان پایتخت در دوران حضرت علی علیه‌السلام نیز سبب شد مفسران در کوفه و بصره، علم تفسیر را از امام علی علیه‌السلام و ابن‌مسعود بیاموزند. قابل ذکر است که در منابع رجالی همچون الاعلام زرکلی و رجال شیخ طوسی، از ۲۵ نفر دیگر چون زیدبن‌وهب، ضحاک‌بن‌مزاحم و ابان‌بن‌تغلب نام برده شده است که به هیچ‌کدام از این مکاتب منتسب نبوده‌اند. پس از عصر رسول خدا ﷺ گروهی از تابعان به فهم و تفسیر قرآن پرداخته و به‌تدریج اظهارنظر و اجتهاد در تفسیر را آغاز نمودند. بیشتر مفسران تابعی، از شاگردان ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشند. امام علی علیه‌السلام، شخصیت‌هایی مانند ابن‌عباس، ابن‌مسعود و ابی‌بن‌کعب، و آنان نیز مفسران بعدی را تربیت کردند. گرچه در شهرهای بزرگ اسلامی آن روز، مدارس تفسیری مانند مدرسه مکه، مدینه و عراق (کوفه و بصره) تأسیس شد، اما تابعان بسیاری از دانش تفسیری امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام بهره‌مند شده‌اند.

۱-۲-۴. مدرسه مکه

سعیدبن‌جبیر و مجاهدبن‌جبیر از مفسران برجسته مدرسه مکه بودند (کشی، ۱۴۰۴، ج۱، ص۳۳۵). سعید (م۹۵ق) اعلم تابعان و مفسران زمان خود، شاگرد ابن‌عباس، اهل کوفه و ساکن مکه بود.

در کتاب‌های تفسیری شیعه و سنی، روایات فراوانی از او نقل شده است. وی شیعه و از محبان اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده که مورد ستایش امام زین‌العابدین علیه‌السلام نیز قرار گرفته است. سعیدبن‌جبیر به روش‌های مختلفی همچون بیان مفردات قرآن، مصداق و شأن نزول آیات تفسیر می‌کرد. همچنین از وی تفسیر قرآن به قرآن، اسباب نزول و... نقل شده است (علوی‌مهر، ۱۳۸۷، ص۸۹-۹۰). از مجاهدبن‌جبیر (م۱۰۴ق)، قاری و مفسر مکه، نیز روایات تفسیری فراوانی به نقل از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و ابن‌عباس نقل شده است. وی محدثی موثق و امین، فقیهی پرهیزکار، صاحب احادیث فراوان و دانشوری خوش‌حافظه و بادقت بود (ذهبی، ۱۳۸۱، ج۱، ص۱۱۶).

برخی ویژگی‌هایی تفسیر ابن‌جبیر عبارت‌اند از: حریت در ارائه آرا و دیدگاه‌های عقلی، توجه به تشبیه و تمثیل، توجه به نکات عرفانی و ذکر فضائل امیرالمومنین علیه‌السلام (معرفت، ۱۴۱۹، ج۱، ص۳۳۷). حاجی‌خلیفه در کشف الظنون کتابی به نام تفسیر مجاهد را نام می‌برد که سندهایی مانند طریق ابن‌ابی‌نجیح و ابن‌جریح دارد (حاجی‌خلیفه، ۱۴۱۳، ص۵۸). این اثر، تفسیری به‌هم‌ناپیوسته و به ترتیب سوره‌ها از سوره بقره تا سوره ناس در دو جلد (حدود هشتصد صفحه) است. برخی معتقدند مجاهدبن‌جبیر برای اولین بار تفسیر قرآن را به‌صورت کتاب درآورده است (ر.ک: امین، بی‌تا، ج۱، ص۹).

۲-۲-۴. مدرسه مدینه

حوزهٔ مدینه، فعالیت علمی و فرهنگی خود را از عصر پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله با تعلیم قرآن و بیان احکام شرع آغاز نمود. پس از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، امام علی علیه‌السلام مهم‌ترین نقش را در رونق علمی این حوزه ایفا کرد و شاگردان او چون ابن‌عباس در تفسیر قرآن درخشیدند (سیدکباری، ۱۳۷۸، ص۱۳۶). گرچه با شهادت امام حسین علیه‌السلام حضور شیعیان در این منطقه کم‌رنگ شد، ولی امام سجاد علیه‌السلام زمینهٔ احیای آن را فراهم کرد (العشی، بی‌تا، ص۶۷ و کشی، ۱۴۰۴، ص۱۱۷). در زمان امام باقر علیه‌السلام، فشار و تگناهای اجتماعی علیه شیعه کاهش یافت؛ ازاین‌رو بزرگان فقه و حدیث به‌قصد بهره‌گیری علمی به آن حضرت مراجعه می‌کردند. در دوران امام باقر علیه‌السلام شمار راویان و نیز روایات آن حضرت، رو به فزونی نهاد؛ به‌گونه‌ای که تعداد روایات نقل‌شده از ایشان از لحاظ تعداد، بیش از روایاتی بود که از پدر ایشان و امام حسن علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام باقی مانده بود (ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۸، ج۳، ص۳۲۷). عصر امام صادق علیه‌السلام یعنی دوران درگیری امویان و عباسیان بر سر قدرت، فرصتی مغتنم برای دانشمندان

شیعی جهت درک محضر علمی ایشان در مدینه بود؛ لذا شیعه از این امام در هر علم و فنی روایت دارد (همان، ص۹۷-۹۸). ولی باتوجه‌به سنت‌گرایی این مرکز در برابر نظریات جدید و تحرکات عالمان فرق غیرشیعی، این حوزه، شکوفایی خود را از دست داد. در این میان سفر امام رضا علیه‌السلام و امام جواد علیه‌السلام به مرو و هجرت امام هادی علیه‌السلام و امام حسن عسکری علیه‌السلام به سامرا، سبب محرومیت حوزهٔ علمی مدینه از وجود پرفیض امامان معصوم علیهم‌السلام گردید (امین، ۱۴۱۳، ذیل ماده مدینه).

ابوحمزه محمدبن‌کعب قرظی و زیدبن‌اسلم عدوی (م۱۳۶ق)، از نامداران مدرسه مدینه هستند. ابوحمزه ابتدا در کوفه و سپس در مدینه ساکن شد. در کتب تفسیری شیعه و اهل‌سنت، آرایی از او نقل کرده‌اند و کتابی در تفسیر نیز برای وی ذکر شده است. ابوحمزه به وثاقت، عدالت، تقوا و کثرت نقل حدیث و نیز تأویل قرآن مشهور است. حاجی‌خلیفه به محمد قرظی تفسیری را منسوب کرده است که اکنون موجود نیست. برخی گونه‌های تفسیری ایشان عبارت است از: توضیح مفاهیم عام، بیان اصطلاحات و تعیین مصداق. زیدبن‌اسلم، از اصحاب امام سجاد علیه‌السلام و مفسران اهل مدینه، در سند روایات اهل‌سنت و شیعه آمده است (طوسی، ۱۳۷۳، ص۹۰). اقوال تفسیری ابن‌اسلم عبارت است از: بیان مصداق و اصطلاحات، واژه‌شناسی، بهره‌وری از تاریخ و استفاده از اسباب نزول (داوودی، ۱۳۹۲، ج۱، ص۱۷۷).

۳-۲-۴. مدرسه عراق

خلافت امام علی علیه‌السلام، مهم‌ترین نقش را در گسترش تشیع در شهر کوفه داشت. آن حضرت کوفه را کنز الایمان، جمجمه الاسلام و قبه الاسلام خطاب می‌کرد (براقی نجفی، ۱۳۸۱، ص۱۱۲). پس از شهادت امیرمؤمنان علیه‌السلام، شیعیان کوفه با فرزندش، حسن‌بن‌علی علیه‌السلام، بیعت کردند. به دنبال قیام امام حسین علیه‌السلام و حوادث رخ‌داده پس از شهادت آن بزرگوار، کوفه به کانون سیاسی و فرهنگی علیه خلفای اموی و بعدها علیه خلفای عباسی تبدیل شد. ظهور جریان‌هایی همچون قیام توابین و مختار و حمایت از زیدبن‌علی (۱۲۲ق)، نشانگر وجود تمایلات قوی شیعی در این شهر است. در اوایل عصر عباسی، کوفه رونق خود را حفظ کرد؛ چراکه تا سال ۱۴۹ق دیوان‌های مرکزی در این شهر قرار داشت (جعیط، ۱۳۷۲، ص۳۸۱). در همین دوران، تبعید امام صادق علیه‌السلام در محلهٔ بنی‌عبدالقیس کوفه، سبب تقویت تشیع و حرکت علمی در کوفه گردید. بسیاری از پیروان امام

کاظم علیه‌السلام همچون علی‌بن‌حمزه و حیان سراج، برخی از صحابه امام جواد علیه‌السلام، مانند ابوجعفر بزنطی (م۲۲۱ق) و کسانی از یاران امام عسکری علیه‌السلام چون علی‌بن‌حسن فضال، کوفی بودند (جاسم، ۱۳۷۷، ص۶۴). همچنین کوفیانی مانند زراره‌بن‌اعین از خاندان زراره و نیز محمدبن‌نعمان و هشام‌بن‌سالم، از نخستین متکلمان شیعی، در کوفه با عقاید غلات به مبارزه برخاستند (اقبال، ۱۳۱۱، ص۸۰-۸۱).

مسجد کوفه مهم‌ترین پایگاه تعلیم و آموزش فقه و حدیث شهر بود (مظفر، بی‌تا، ص۱۴۱-۱۴۲). توجه امامان شیعه به مسجد کوفه به‌عنوان پایگاه علمی، به‌ویژه هنگام ورود امام صادق علیه‌السلام در زمان خلافت سفاح عباسی به این شهر و استقرار ایشان در این مسجد و نقل حدیث برای شیعیان کوفه، سبب اهمیت این مرکز گردید (براقی نجفی، ۱۳۸۱، ص۴۰۸). نجاشی می‌نویسد: «از امام صادق علیه‌السلام نهصد شیخ در کوفه آموخت» (نجاشی۱۴۱۳، ص۳۱). یکی از خدمات محدثین کوفه به علم حدیث، تدوین منابع حدیثی است. کوفه علی‌رغم متأثر بودن از اختلافات، چنان به مرکزیت شیعی مشهور بود که اگر می‌خواستند فردی را شیعی بخوانند، او را کوفی‌مذهب می‌نامیدند (شمس‌الدین، ۱۹۵۳، ص۶۰). این مدرسه، فرهیختگانی مانند قتاده‌بن‌دعامه سدوسی (م۱۱۷ق) و جابربن‌یزید جُعفی (م۱۲۸ق) را به خود دیده است. قتاده، ساکن بصره و از دانشمندان بزرگ عصر خود بود. وی دارای حافظه‌ای قوی، اطلاعاتی گسترده در اشعار ایام عرب، انساب و لغت در زبان تازی بوده است. برخی قتاده را قائل به «قَدَر» (جبر) می‌دانند. نمونه‌های تفسیری او عبارت‌اند از: بیان مصداق، توضیح اصطلاح قرآنی، بیان قید آیات و توضیح احکام و بیان شأن نزول. جابر نیز از مفسران تابعی و از اصحاب و شاگردان امام سجاد علیه‌السلام و امام باقر علیه‌السلام بود. روایات فراوانی در تفسیر، احکام و ویژگی‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام از او نقل شده که نشانه شیعه بودن وی است. جابر کتاب‌های زیادی دارد که ازجمله آنها «تفسیر» است. آرای تفسیری جابر عبارت‌اند از: بیان ناسخ و منسوخ، تفسیر ولایی و تفسیر کلامی و اعتقادی.

۵. بررسی تطبیقی آثار تفسیری دو سده نخستین

پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله همواره تمسک به قرآن را سفارش می‌فرمود؛ ازاین‌رو صحابه قرآن‌شناس، به تفسیر و توضیح آیات پرداختند. بررسی آثار مفسرانی همچون ابن‌عباس، ابن‌مسعود و ابی‌بن‌کعب

نتیجه می‌دهد که در این دوره، چون تفسیر به‌عنوان علمی مستقل مطرح نبوده، کتاب مستقل و جامعی در مورد آن تدوین نشده است. نوشته‌های تفسیری نیز بر اساس ترتیب آیات شکل نگرفته است (معرفت، ۱۴۱۸، ج۱، ص۳۰۸). همچنین هرچند روایات و آرای تفسیری متخصصین بسیار اندک بود، اما چون در عصر نزول آیات می‌زیستند و به زبان نزول و اسباب و فضای نزول آیات آگاه‌تر بودند، آرای تفسیری بسیار ارزشمندی داشتند؛ مانند عبدالله‌بن‌عباس از شاگردان حضرت علی علیه‌السلام که استفاده علمی فراوانی از آن حضرت برد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج۹۲، ص۱۰۵).

همچنین باتوجه‌به اینکه مصادر تفسیری این دوره عبارت بود از قرآن، سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، شأن نزول آیات و اجتهاد معصومان علیهم‌السلام، اعم از روایت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله (در استفاده اهل‌سنت) و امامان معصوم (در استفاده شیعه)، تفسیر عصر صحابه، شاخه‌ای از حدیث به شمار می‌آمد. بر اساس قول پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که «قرآن نازل نشده است تا برخی از آن به تکذیب برخی دیگر بپردازند، بلکه نازل شده است تا یکدیگر را تأیید و تصدیق کنند» (سیوطی، ۱۴۱۴، ج۲، ص۸)، صحابه در تبیین ابهامات تفسیری و درک مجملات قرآنی، علاوه بر قرآن، به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله مراجعه می‌کردند. بنابراین در این دوره، تفسیر روایی، یعنی تفسیر قرآن به استناد روایات و سنت شکل گرفت، اما در مواردی که آیات دارای شأن نزول بود، مفسران در تفسیر آیه، از شأن نزول آن کمک می‌گرفتند (زرکشی، ۱۳۹۱، ج۱، ص۲۹۱). استناد به شعر و اجتهاد در تفسیر آیات، از شاخص‌های دیگر این دوره است. ذهبی می‌نویسد: «خلیفه دوم، مفسران را در تفسیر آیات به شعر عرب ارجاع می‌داد و می‌گفت: دیوان خود را حفظ کنید تا گمراه نشوید. پرسیدند: دیوان کدام است؟ گفت: شعر جاهلیت؛ زیرا تفسیر کتاب شما و معانی گفتارتان در آن موجود است» (ذهبی، ۱۳۸۱، ج۱، ص۷۴). غالب تفاسیر سدهٔ اول، کوتاه و گاهی در حد معنی لغوی بود و تفسیر ترتیبی و تفسیر موضوعی کامل برای تمامی آیات شکل نگرفت (مؤدب، ۱۳۹۰، ص۵۸)؛ زیرا مفسران در جست‌وجوی انشقاق کلمات یا شاهد و دلیل نبودند و با عباراتی کوتاه و رسا آیات را توضیح می‌دادند. مفسران این زمان، از مذهب یا گرایش تفسیری خاصی جانبداری نمی‌کردند؛ بلکه هم‌سان می‌اندیشیدند (معرفت، ۱۴۱۸، ج۱، ص۳۰۸). به عبارت‌دیگر، عدم رواج احتجاج‌های فقهی و کلامی در این دوره موجب گردید که تفاسیر، از جدل و تصادف آرای ناشی از گرایش‌های تفسیری دور بماند.

یکی دیگر از امتیازات مفسران این بود که عمده برداشت‌های خود را منحصر به تفسیر آیه به آیه یا روایت به روایت می‌کردند و کمتر مفسری به برداشت و رأی خود متمایل می‌گشت. همچنین از اخبار اهل کتاب فقط در مواردی استفاده می‌شد که در آن مورد شأن نزول یا روایتی از معصومان وجود نداشت. مهم‌تر اینکه تفاسیر سدهٔ اول با کمترین واسطه به پیامبرﷺ می‌رسید و نسبت به دوره‌های بعد، از راویان کمتری برخوردار بود. این تفاسیر به علت کم بودن واسطه‌ها و گسترش نیافتن نظریات مفسران، به اعتبار نزدیک‌تر بود (همان، ۱۴۱۸، ج۲، ص۳۰۹). علم تفسیر در سدهٔ دوم شاهد تحولات مهمی بود و علاوه بر رشد کیفی آثار تفسیری، گسترش مرزهای اسلامی و آشنایی مسلمانان با ادیان و تمدن‌های ملل دیگر، دامنه سؤال و ابهام را برای مسلمانان گشود. گرچه قرآن مسلمانان را برای رفع شک و تردید، به کتاب خدا و سنت پیامبرﷺ رجوع داده است، ولی جریان‌های سیاسی مخالف، مانع تحقق این امر شدند. بدین‌ترتیب از سویی مفسران تحت تأثیر گرایش‌های فکری خود، از شیوه‌ای واحد برخوردار نبودند و از سوی دیگر، پیروان مکاتب اشاعره، معتزلی، خوارج و شعوبیه که تا حدی مولود سیاست‌های خلفای اموی و عباسی بودند، موجبات اضطراب و تشویش فکری را به وجود آوردند و سبب جدال‌های مذهبی شدند. در این دوره مفسران بزرگی چون مجاهدبن‌جبیر (م۱۰۴ق) و طاووس‌بن‌کیان (م۱۰۶ق) عصر تدوین را رقم زدند. باتوجه‌به مطالب پیشین، برخی از شاخصه‌های آثار تفسیری سده دوم از این قراراست:

الف) ورود اسرائیلیات به منابع تفسیری، که یکی از ضعف‌های آثار این دوره است. ابن‌خلدون می‌نویسد: «گفتارهای اهل کتاب در تفسیر قرآن وارد شده است و مطالب درست و نادرست به‌عنوان تفسیر تلقی می‌گردید» (ابن‌خلدون، بی‌تا، ص۱۴۳۹). نقل اسرائیلیات از سده اول آغاز شد و در سده دوم گسترش یافت؛ زیرا برخی از اهل کتاب پس از مسلمانی، هنوز اسرائیلیات را نقل می‌کردند. گروهی هم به علت ارتباط نزدیک با اهل کتاب، تحت تأثیر آنان بودند. به‌عنوان‌مثال، مفسران در تفسیر آیاتی چون اخبار شروع خلقت و تکوین انسان، از کعب‌الاحبار نقل می‌کردند و تحقیق درباره این مطالب را ضروری نمی‌دانستند.

ب) تفسیر به رأی یا تفسیر آیات بر اساس قیاس و مرجحات ظنی به دور از اصول عقلی و تدبر نیز در منابع سده دوم ظهورکرد (ایازی، ۱۴۱۴، ص۳۸). این روش درواقع نوعی استقلال رأی در

فهـم قرآن بدون مراجعه به اهل‌بیت علیهم‌السلام اسـت (خویـی، ۱۴۰۹، ص۲۶۹). پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «هرکس قرآن را با رأی خود تفسیر نماید، جایگاهش در آتش است» (ترمذی، بی‌تا، ج۵، ص۱۹۹). البته این نکوهش، در مورد تدبر در قرآن و تفسیر اجتهادی و عقلی صدق نمی‌کند.

ج) مفسران سدهٔ دوم برای فهم معانی قرآن، بر تعقل و تدبر و اجتهاد تأکید می‌کردند و مکتب تفسیری مکه در بین مکاتب مدینه و عراق در این حوزه پیشگام بود. پس از مکه، مفسران عراق بـه اصحـاب نظـر و اجتهاد معروفند (مؤدب، ۱۳۹۰، ص۲۱۴). در این دوره، تفسـیر از مباحث سـاده و یکدسـت، به مباحثی با گرایش‌های کلامی، فلسـفی و فقهی متمایل شـد؛ چنان‌که حسن بصری، تفسیر قرآن را بر اساس مذهب قدریه بیان می‌کرد و به تکفیر منکران قدر می‌پرداخت.

د) برخـلاف دوره صحابـه کـه تفسـیر بـه آیات خاصـی محدود می‌شـد و در غالب پرسـش‌ها و توضیحـات کوتـاه و مختصـر بود، در سـدهٔ دوم، نگارش‌های تفسـیری، غالب یـا تمامی آیات را دربرمی‌گرفـت و از تفصیـل بیشـتری برخـوردار بود. در این دوره، مفسـران، آیاتی را که شـأن نزول خاصی داشـتند، بر موارد مشـابه تطبیق می‌دادند که از ذوق و سلیقه آنان ناشی می‌شد و از نوعی تأویل حکایت داشت (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج۱، ص۴۲).

هـ) وثاقت آرای مفسران در سده دوم، نیاز به بررسی بیشتری دارد؛ زیرا برخلاف دوره صحابه که مطالب تفسـیری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل می‌شـد، در این دوره، با واسـطه چند راوی، سـند روایت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌رسـید (مؤدب، ۱۳۹۰، ص۲۱۹). البته نگاشـته‌های مفسران شیعی در صورت استناد به گفتار ائمه علیهم‌السلام مورد اطمینان بود.

و) در سدهٔ دوم، گروهی از دانشمندان به طور مستقل به تفسیرنگاری اشتغال داشتند و این علم مسـتقل گردید. در این زمان، بزرگانی چون مجاهد، قتاده، زیدبن‌اسـلم و... کتاب تفسـیری داشتند (طبری، ۱۴۱۲، ج۱، ص۴۰ و سزگین، ۱۴۰۳، ج۲، ص۱۶۳).

ز) در دوره تابعان، مفسـران علاوه بر منابع مورد اسـتفاده صحابه (قرآن، سـنت، لغت و شعر، شأن نزول) از علوم و دانش‌های روز (علوم طبیعی)، کنایات و استعارات، اقوال و صحابه و اجتهاد و استدلالات عقلی مدد می‌جستند.

۶. نتیجه‌گیری

از مقایسه ویژگی‌های آثار تفسیری سدهٔ اول و دوم به دست می‌آید که وثاقت آرای تفسیری، از امتیازات نگاشته‌های تفسیری سده اول است؛ چراکه حیات مفسران، مقارن با عصر نزول و اسباب نزول بود. همچنین تفاسیر صحابه تحت تأثیر گرایش‌های فکری خاص نبود و به همین علت، تفسیر به رأی به‌ندرت صورت می‌گرفت. اما در سدهٔ دوم هجری، علاوه بر افزایش کمّی نبشته‌های تفسیری، با پیشرفت کیفی روبه‌رو هستیم. تنوع در آثار تفسیری (فقهی، کلامی، اخلاقی)؛ پیدایش مدارس تفسیری (مدینه، مکه، عراق)؛ تکامل، نظم و انسجام مکتوبات تفسیری (ترتیب بر اساس آیات و موضوعات) و افزایش منابع تفسیری (اجتهاد و علوم روز)، از برجستگی‌های علم تفسیر در این دوران است. در کنار آن، باید به ورود اسرائیلیات در تفاسیر، افزایش تفسیر به رأی و طولانی شدن راویان سند تفاسیر که گاهی به ضعف سند منجر می‌شد، به عنوان نقاط ضعف این دوره اشاره نمود. به نظر می‌رسد جدایی قرآن و عترت به‌عنوان یکی از مهم‌ترین سیاست‌های حاکمان، از مهم‌ترین علل این آسیب‌ها در قرن دوم است که مطابقت آرای مفسران را با نظریات معصومین مخدوش می‌کرد.

تالیفات سده اول	تالیفات سده دوم
سادگی و ایجاز	پیشرفت علم تفسیر و بهره‌مندی از علوم روز
عدم تفسیر به رأی	تفسیر به رأی
آمیخته نشدن با اسرائیلیات	ورود اسرائیلیات
اتکا بردانش معصومین و قطعیت	جدایی قرآن از عترت و مخدوش شدن قطعیت
فقدان اثری جامع و مستقل	نگارش کتاب‌های تفسیری مستقل
توضیح و شرح آیات بر اساس روایات	آرای تفسیری بر اساس تعقل و اجتهاد
یکدستی رویکردهای تفسیری (روایی)	گرایش‌های کلامی، فلسفی و فقهی در تفسیر

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. اقبال، عباس (۱۳۱۱ش)، خاندان نوبختی، تهران: مطبعه مجلس.
۲. امین، نصرت بیگم (بی‌تا)، مخزن العرفان فی علوم القرآن، اصفهان: کتاب‌فروشی ثقفی.
۳. بابایی، علی‌اکبر (۱۳۸۶ش)، مکاتب تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. براقی نجفی، حسن (۱۳۸۱ش)، تاریخ کوفه، ترجمه: سعید راد رحیمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. تقی‌پور، ولی‌الله (۱۳۷۱ش)، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، تهران: انتشارات اسوه.
۶. جاسم، حسین، (۱۳۷۷ش)، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه: محمدتقی آیت‌اللهی، تهران: امیرکبیر.
۷. جعیط، هشام (۱۳۷۲ش)، پیدایش شهر اسلامی، ترجمه: ابوالحسن سروقد مقدم، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰ش)، تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء.
۹. خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۸۱ش)، دانشنامه قرآنی و قرآن‌پژوهی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دوستان و ناهید.
۱۰. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۳ش)، هرمنوتیک و منطق فهم دین، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۱۱. سزگین، فؤاد (۱۴۰۳ق)، تاریخ نگارش‌های عربی، به اهتمام خانه کتاب، ترجمه و تدوین: مؤسسه نشر فهرستگان، تهران:؟؟؟؟؟.
۱۲. سیدکباری، علیرضا (۱۳۸۷ش)، حوزه‌های علمیه شیعه در گسترش جهان، تهران: امیرکبیر.
۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی‌تا)، قرآن در اسلام، مشهد: طلوع.
۱۴. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم (۱۳۷۲ش)، طبقات مفسران شیعه، قم: نوید اسلام.
۱۵. علوی‌مهر، حسین (۱۳۸۷ش)، روش و گرایش‌های تفسیری، تهران: انتشارات اسوه.
۱۶. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵ش)، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۷. مجتهد شبستری، محمد (۱۳۸۴ش)، هرمنوتیک، کتاب و سنت، تهران: طرح نو.
۱۸. مشکور، محمدجواد (۱۳۷۵ش)، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۹. مظفر، محمدرضا (بی‌تا)، تاریخ شیعه، قم: مکتب بصیرتی.
۲۰. مؤدب، سیدرضا (۱۳۹۰ش)، روش‌های تفسیر قرآن، قم: انتشارات دانشگاه قم.

ب) عربی

۲۱. ابن‌تیمیه، تقی‌الدین احمد (بی‌تا)، مقدمه فی اصول التفسیر، بیروت: دار مکتبه الحیاه.
۲۲. ابن‌حجر، احمدبن‌علی (۱۴۰۴ق)، تهذیب التهذیب، حیدرآباد دکن، هند: دائره المعارف النظامیه.
۲۳. ابن‌خلدون، عبدالرحمن (بی‌تا)، مقدمه تاریخ (مقدمه ابن‌خلدون)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۲۴. ابن‌شهرآشوب (۱۳۷۸ش)، مناقب آل ابی طالب، قم: مکتبه علامه.
۲۵. ابن‌فارس، احمد (۱۴۲۸ق)، الصاحبی فی فقه اللغه العربیه و مسائلها و سنن العرب فی کلامها، بیروت: دار الکتب العربیه.
۲۶. ابن‌ندیم، محمدبن‌اسحاق (۱۴۱۵ق)، الفهرست، بیروت: دار المعرفه.
۲۷. ابوریه، محمود (بی‌تا)، اضواء علی السنه او دفاع عن الحدیث، چاپ پنجم، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۸. امین، حسن (۱۴۱۳ق)، دایره المعارف الاسلامیه الشیعیه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۹. امینی، عبدالحسین (۱۳۹۷ش)، الغدیر، بیروت، دار الکتب العربی.
۳۰. ایازی، سیدمحمدعلی (۱۴۱۴ق)، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران: وزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی.
۳۱. حاجی خلیفه، مصطفی‌بن‌عبدالله (۱۴۱۳ق)، کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، بیروت: دار الکتاب العلمیه.
۳۲. حلی، حسن‌بن‌یوسف (۱۴۰۳ق)، الرجال، تحقیق: محمدصادق بحرالعلوم، نجف: حیدریه.
۳۳. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۰۹ق)، معجم رجال الحدیث، بیروت: دار الزهراء.
۳۴. ـــــــــ (۱۴۰۹ق)، البیان فی تفسیر القرآن، قم: دار الفکر.
۳۵. داوودی، محمدبن‌علی (۱۳۹۲ش)، طبقات المفسرین، قاهره: مکتبه وهبه.
۳۶. ذهبی، محمدحسین (۱۳۸۱ش)، التفسیر والمفسرون، قاهره: دار الکتب الحدیثه.
۳۷. راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۰۵ق)، مقدمه جامع التفاسیر، کویت: دار الدعوه.
۳۸. زرکشی، بدرالدین (۱۳۹۱ش)، البرهان فی العلوم القرآن، بیروت: دار المعرفه.
۳۹. زرکلی، خیرالدین (۱۴۱۰ق)، الاعلام قاموس تراجم الاشهر الرجال والنساء، چاپ پنجم، بیروت: دار العلم للملایین.
۴۰. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۱۴ق)، الاتقان فی علوم القرآن، بیروت: مکتبه فخرالدین.
۴۱. شمس‌الدین، محمدرضا (۱۹۵۳م)، حدیث الجامعه النجفیه، نجف: مطبعه العلمیه.
۴۲. صدر، سیدحسن (بی‌تا)، تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام، تهران: منشورات الاعلمی.
۴۳. طبری، فضل‌بن‌حسن (۱۴۱۲) جامع البیان فی تفسیرالقرآن، قاهره: بی‌نا.
۴۴. العشی، اسحاق (بی‌تا)، الإمام علی‌بن‌الحسین و الخلافة الإسلامیة، بیروت: دار الفکر اللبنانی.
۴۵. فضل‌الله، محمدجواد (۱۴۰۱ق)، الامام الصادق، بیروت: دار الزهراء.
۴۶. کشی، ابوعمرو محمد (۱۴۰۴ق)، اختیار معرفه الرجال، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۴۷. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۳۶۳ش)، الکافی، چاپ پنجم، تهران: دار الکتب اسلامیه.
۴۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴۹. معرفت، محمدهادی (۱آ۴۱۸ق)، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشیب، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه.
۵۰. مفید، محمدبن‌نعمان (بی‌تا)، الاختصاص، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۱. نجاشی، احمدبن‌علی (۱۴۱۳ق)، رجال النجاشی، قم: مکتب الداوری.